

نقد و بررسی کتاب

دین مسیح

• دکتر حسین حیدری

• دین مسیح
• برایان ویلسون
• ترجمه حسن افشار
• نشر مرکز، ۱۳۸۲



دیر پای^۱ بوده است. وی از معدود دین‌پژوهان تطبیقی است که گرچه تا آخر عمر شخصاً به مسیحیت پروتستان تعلق دینی و به آیین بودا گرایش داشته، رهیافتی پدیدارشناسانه دارد و در غالب کتاب‌های خود این ضرب‌المثل سرخپوستان آمریکا شعار روش تحقیق اوست: «حق نداری درباره [راه و روش] کسی داورى کنی، مگر آن که حداقل یک مایل با چارق [سنگین] اویاده روی»^۲ بنابراین، رهیافت اساسی آثار او و هم‌فکرانش و نیز نوشته‌هایی که با ویراستاری او ارائه شده، نه مبتنی بر هم‌سویی (Sympathy) است و نه بر پایهٔ عناد (antipathy)، بلکه رویکردی مبتنی بر هم‌حسی (empathy) دارد.

از دیگر خصوصیات این سلسله کتب، رهیافت تاریخی و جامعه‌شناسانه نویسندگان است. زیرا به‌نظر نویسندگان آن، ادیان بر جوامع تأثیر زیربنایی دارند. نویسندگان می‌خواهند از مسیر حیات و اصول اعتقادی ادیان گوناگون برای حل مشکلات پیچیدهٔ جهان معاصر الهام بگیرند. «ادیان و جهان‌بینی‌ها نه فقط تمدن سازند، که مستقیماً در رویدادهای جهانی تأثیر می‌گذارند» (ص ۱).

پیام اصلی و تازهٔ کتاب در آخرین فصول کتاب در باب مواجهه و چالش‌های مسیحیت و دیگر ادیان با مدرنیته و دوران پسامدرن بیان شده است. درنگاه نویسنده و ویراستار کتاب، مدرنیته هرگز در غرب کاملاً موفق

نشر مرکز در دو سال اخیر، ترجمهٔ مجموعه کتب ادیان جهان - با عناوین ادیان چین، ژاپنی، هندو، بودا، یهود و مسیحیت - را به بازار نشر روانه کرده است. آنچه در پی می‌آید، گزارشی از دیدگاه‌ها، روش‌ها و محتوای کتاب دین مسیح، از این سلسله کتب، نوشته برایان ویلسون و نقد ترجمهٔ کتاب به زبان فارسی و ارائه نمونه‌هایی از کاستی‌های ترجمه آن است.

کتاب دین مسیح شامل مقدمه، پیش‌درآمد و شش فصل است: از عیسی تا مسیحا، از مسیحا تا عیسی مسیح؛ تعبیر مسیحیت؛ اصلاحات دینی در غرب؛ مسیحیت و تجدد؛ جهانی شدن مسیحیت؛ و اصول عقاید و فرایض دینی مسیحیان در دورهٔ پسامدرن.

الف - رهیافت‌ها و گرایش‌های اساسی

ویراستاری مجموعهٔ این کتب رانینان اسمارت (۱۹۲۷-۲۰۰۱ م) برعهده داشته است. وی از برجسته‌ترین دین‌شناسان معاصر است که بنیادگذار و استاد کرسی‌های دین‌شناسی دانشگاه‌های لنکستر انگلیس و کالیفرنیا (در سانتا باربارا) و نویسندهٔ بیش از سی جلد کتاب‌های ارزشمند از جمله فلسفه‌های جهان، جهان‌بینی‌های جهان، تجربهٔ دینی، و جستجوی

آمریکا وجود دارد» (ص ۱۴۸). نویسنده مهم‌ترین خصوصیت مسیحیت‌پسامدرن را وصف تلفیقی آن در نتیجه تعادل پویای بین عناصر مدرن و پیشامدرن می‌داند (ص ۱۵۵). وی می‌گوید امروز، مسیحیان در غرب، روز به روز علاقه بیشتری به ادیان دیگر جهان، اسلام، بودیسم، دین هند و غیره نشان می‌دهند (ص ۱۵۶).

ب - کاستی‌های ترجمه

یکی از نقایص مهم بسیاری از کتب ترجمه شده به زبان فارسی این است که برخلاف روال نشر در دیگر کشورها، مترجمان مشخصات کتاب‌شناسی متن اصلی کتاب (عناوین نویسنده ناشر، سال چاپ، شابک و...) را در شناسنامه ترجمه یا پیشگفتار نمی‌آورند و گویا نوعی غفلت یا هراس در این زمینه رواج دارد. ترجمه کتاب دین مسیح نیز از این کاستی‌ها می‌رانیست. نگارنده این مقاله با جستجوی بسیار توانست متن اصلی کتاب را بیابد و هنوز نیز اندکی تردید دارد که مأخذ ترجمه کدام یک از ویرایش‌های احتمالی کتاب بوده است. امید است با تذکرات ناقدان، فرهنگ ترجمه مکتوب کشور که در سال‌های اخیر ارتقای کیفی مطلوبی داشته است - این نقیصه را نیز رفع کند.

عنوان اصلی کتاب Christianity است، ولی در برگردان فارسی، عنوان دین مسیح برای آن انتخاب شده است. این تسامح در ترجمه عنوان جای تأمل و تجدیدنظر دارد، به دلیل این که دین حضرت عیسی مسیح با آنچه که در طول تاریخ دین مسیحیت معرفی شده لزوماً همسو نبوده است و چنان که در کتاب نیز اشاره شده است «عیسی، خود پایه‌گذار کلیسای مسیحی نبوده است» (ص ۲۱).

«مسیحیت دین یکپارچه‌ای نبوده است و از ترکیب عناصری از کیش‌های دیگر پدید آمد. کسان بسیاری بنیادگذار کلیسای مسیحی [= تعالیم واحکام مسیحیت] بودند. برخی یهودی بودند و لذا شریک در جهان‌بینی عبرانی عیسی (ع) و گروهی یونانی بودند و از قضا یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های اوایل تاریخ مسیحیت، بولس طرسوسی، یهودی متأثر از آرای یونانی. از زمان بولس، جهان‌بینی یونانی یا هلنی روز به روز سهم‌بیشتری در شکل‌گیری مسیحیت پیدا کرد» (ص ۲۲-۲۳).

توجه به محتوای کتاب نیز که عمدتاً در باب تاریخ تحولات اجتماعی و باورهای عالم مسیحیت در طول تاریخ است، نامناسب بودن عنوان کتاب

نشد «جهان‌بینی‌های مسیحی پیشین را شکست دهد و جانشین آنها گردد. چه‌سامسحیت در همین دوره، رشدی بی‌سابقه پیدا کرد و گسترش جهانی یافت. وانگهی تلاش مذاهب مسیحی برای پاسخگویی بدان و گاه برای سازگاری با آن، به پیدایش انبوهی از مذاهب‌های بدیع و نو انجامید» (ص ۹۰).

به باور نویسنده، گرایش‌های دینی در دوره پسامدرن افزایش خواهد یافت و آمار و ارقام و تجلیات اجتماعی دینی، گویای این مدعاست، هر چند برداشت‌های دینی آینده با برداشت‌های سنتی تباین اساسی دارد:

«اکنون که سده بیستم را به پایان رسانده‌ایم، می‌بینیم که روند دوری‌گزینی از مذهب، بدان‌سان که پیش‌بینی شده بود، روی نداده است. البته مسیحیت نهادینه، بی‌تردید سیر نزولی داشته است از تعداد اعضا و حاضران در کلیساها کاسته شده، افراد کمتری مراسم خود را در کلیسا برگزار می‌کنند. شمار روحانیان کم شده... ولی با این همه - نه بدان سبب که مردم در غرب از جهان‌بینی‌های پیشامدرن دست کشیده‌اند - برعکس، نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که مردم غرب هنوز همچون گذشته مذهبی‌اند. از طرفی در حالی که نهادهای مسیحی رو به افول دارند، مفهوم‌ها و نمادهای مسیحی همچنان سرتاسر غرب را فرا گرفته‌اند... تنها به جرأت می‌توان گفت که مسیحیت دارد شکل نهادین خود را از دست می‌دهد و شخصی‌تر می‌شود» (ص ۱۳۴-۱۳۵).

گرچه به گفته نویسنده در دهه ۱۹۹۰، حدود ۹۴ درصد مردم آمریکا به خدا اعتقاد داشته‌اند، باور آنان در باب تثلیث عوض شده است: «مسیحیت‌پسامدرن چندان میانه‌ای با اصل تثلیث ندارد... و گروهی حتی به تصورات ادیان دیگر از خدا متوسل می‌شوند» (ص ۱۳۸-۱۳۹). برخلاف مسیحیان سنتی که برای عیسی (ع) شخصیتی الهی قائل بوده‌اند، امروز غربیان او را «هم تراز محمد (ص) یا بودامی‌شمارند» (ص ۱۴۴).

خصوصیات مسیحیان پسامدرن، گرایش آنان به زیارت اماکن خاص، افزایش باور به وجود شیاطین و فرشتگان، گرایش به طلب شفای بیماران صعب‌العلاج از طریق ایمان مسیحی، و پایبندی به برخی از عبادت‌های مسیحی مانند عید میلاد و فصح شگفت‌آور است (ص ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۳). به گفته ویلسون «در آمریکا بازگشت به نماز در فرهنگ عامیانه تأثیر شگرفی داشته است و اکنون در بازار کتاب بیش از ۲۰۰۰ عنوان اثر درباره نماز موجود است و بیش از ۱۰۰۰ کارگاه عام‌المذاهب آموزش نماز در سراسر

را آشکارتر می‌کند.

ساختار آموزشی کتاب خوب است و گاه شماری، نقشه جغرافیایی، عکس‌ها، فهرست اعیاد، منابع قابل رجوع برای مطالعه بیشتر و نمایه برای خوانندگان مفید است. واژه‌نامه توصیفی پایان کتاب هم ارزشمند است. البته اگر مترجم معادل‌های انگلیسی اصطلاحات را در پایان کتاب در کنار تعاریف آنها می‌آورد، برای مخاطبان مفیدتر بود. در حال حاضر مترجم حتی در متن ترجمه شده نیز معادل‌های انگلیسی بسیاری از اصطلاحات و اعلام مهم را در پاورقی نیاورده است و انتظار می‌رود که در تجدید چاپ، این غفلت رفع شود.

مرور اولیه در ترجمه کتاب نشان می‌دهد که مترجم گران قدر با وجود تسلط بر زبان عمومی، با رشته ادیان به‌ویژه با آموزه‌های مسیحی و کتب ترجمه‌شده در این باب، آشنایی ندارد و در نتیجه در ترجمه ادبیات و زبان تخصصی ادیان، چیرگی نشان نمی‌دهد. آنچه در پی می‌آید نمونه‌هایی از نقائص و خطاهای ترجمه است که با مرور در متن ترجمه شده و تطبیق آن با متن انگلیسی به دست می‌آید:

* در برگردان اصطلاحات مسیحی، مترجم گرانقدر در برخی از موارد با استفاده از آوانویسی (Transcription) اصطلاحات را به الفبای فارسی برگردانده و گویا به فرهنگ‌های تخصصی و حتی واژه‌نامه‌های عمومی معتبر مراجعه نکرده است. مثلاً در صفحات ۷۹، ۱۳۲، ۱۴۶، اصطلاح «ساکرامنت‌ها» معادل‌های مشهوری چون «آیین‌های مقدس» یا «مقدسات» یا «مقدسات سبعة» (شامل هفت آیین، تعمید، عشاء ربانی، توبه، مسح محتضر و...) دارد. در مواردی نیز مترجم معادل‌های فارسی نا آشنا می‌آورد، مثلاً در برابر اصطلاح انگلیسی (Confirmation) (صفحه ۳۴ متن انگلیسی) واژه «تسجیل» را می‌گذارد (ص ۵۸) در حالی که معادل جاافتاده و رسای آن «تأیید میثاق» یا «مراسم تشریف یا تکلیف» است.

* مترجم در برابر دیگر آیین‌های هفت گانه کاتولیک به ترتیب برای اصطلاحات extreme unction (anointing of the sick), ordination، به ترتیب واژه‌های «رتبه‌بخشان» و «تدهین نهایی» را به کار می‌برد (صفحات ۵۱ متن اصلی و ص ۶۸ ترجمه)، در حالی که اصطلاحات «دست‌گذاری» (یا مراسم انتصاب مقام روحانی) و «مسح محتضر» (یا تدهین بیمار) معادل‌هایی رایج و رسا است. همچنین ترکیب «جمعه نیک» به معنای روز جمعه‌ای که - به باور مسیحیان - آن حضرت به صلیب کشیده شده است، با توجه به بار مثبت صفت نیک، شاید درست‌نباشد و به جای آن «جمعه مقدس» یا «جمعه تصلیب عیسی (ع)» گویاترست (نک ص ۱۲۳ متن و ۱۶۴ و ۵۶ ترجمه).

* برای اصطلاح apocalypticism، آوا نوشته «اپوکالیپتیزم» آمده است (ص ۳۶) در حالی که ذکر برابر واژه فارسی آن «مکاشفه‌گرایی» یا «باور

به نزدیکی آخرالزمان»، دست کم در داخل پرانتز، بایسته بود. صفت سینوپتیک Synoptic (ص ۳۵) نیز برای توصیف اناجیل متی، لوقا و مرقس به «همنوا» یا «همسو» قابل ترجمه است.

* ترجمه اصطلاح Mass (ص ۶۲ متن انگلیسی) به «قداس کاتولیک» (ص ۸۴) درست نیست و این اصطلاح را باید به «مراسم مربوط به عشاء ربانی» یا «مراسم عشاء ربانی» ترجمه کرد.

* ترجمه اصطلاح Religious practices به فرایض درست نیست، زیرا این ترکیب شامل فرایض (واجبات) و غیر فرایض دینی (نوافل و...) می‌شود و باید به «احکام دینی» یا «اعمال دینی» برگردانده شود.

مترجم، در سراسر کتاب Paul of Tarsus را به قیاس زبان عربی، پولس یا «بولس طرسوسی» ترجمه کرده است (ص ۷، ۲۳، ۳۲ و جاهای متعدد)، در حالی که در هیچ یک از زبان‌های هند و اروپایی و دیگر زبان‌هایی که واج «پ» کاربرد دارد، حرف آغازین نام مذکور به ب تبدیل نشده است. مثلاً در زبان‌های ایتالیایی، انگلیسی، آلمانی، اسپانیولی، فرانسوی، روسی برابر نهاده‌های آن به ترتیب پائولو، پول، پاول، پابلو، پاول است و پس از ترجمه کتاب مقدس به زبان فارسی، بیش از یکصد سال است که با نگاهی به ملیت صاحب نام و به قیاس تلفظ یونانی آن (paulus)، به پولس اشتباه یافته است و با توجه به تأثیر تبلیغی او در بین ملت‌های غیریهود و مسافرت‌های تاریخی‌اش، وصف «رسول» بیش از صفت طرسوسی برای او شهرت و کاربرد دارد.

با توجه به این که در زبان فارسی مصوت‌های کوتاه عمدتاً نوشته می‌شوند، مترجمان به جهت پیشگیری از رواج خطای تلفظ، در برگردان اعلام در بسیاری از موارد، مجبورند که مصوت‌های -- را به ترتیب به مصوت‌های بلند «او»، «ای» و «ا» تبدیل کنند - به‌ویژه در مواردی که در زبان‌های مبدأ مصوت‌های کوتاه، بلندتر از زبان فارسی تلفظ می‌شود. بر این اساس، شایسته است که «زالوت‌ها»، «لعازر» و «متدیست‌ها» در ترجمه (ص ۲۶-۲۷، ۲۹، ۹۵، ۱۰۳، ۱۲۴) به ترتیب به «زیلوت‌ها»، «العازر» و «متودیست‌ها» تغییر یابد و بر اساس اصول «رواج در ادبیات کهن و اقتصادزبانی» شایسته است اسامی الکساندر، تسوینگلی، آدونتیست‌ها، کنستانتین و کوئیکرها (ص ۵۵، ۷۹، ۹۹، ۱۰۰، ۵۳، ۵۵، ۸۴، ۹۳) به ترتیب به اسکندر، زوینگلی، آدونتیست‌ها، قسطنطین و کوئیکرها تغییر یابد.

مترجم در برگردانیدن عناوین سرفصل‌ها، دقت لازم را نداشته است. مثلاً، عنوان انگلیسی فصل سوم کتاب چنین است:

the concept of christendom: christianity from late

Antiquity to the Middle Ages

که این گونه ترجمه شده است: «تعبیر مسیحیت از پایان روزگار باستان تا سده‌های میانه» (ص ۳۸ متن انگلیسی و ص ۴۹ ترجمه فارسی). در ترجمه

استقلالش راز دست می‌دهد...» (ص ۱۰۹).

این ترجمه را با متن انگلیسی آن مقایسه کنید:
The rebirth of Russian orthodoxy has not been without its troubling aspects. However, some of the church's critics argue that it is quickly losing its independence from the government. (p.80),

* «در آمریکای لاتین هر ساله هزاران نفر از کلیسای کاتولیک رومی می‌برند... از آن‌جا که مسیحیت در طول تاریخ بر ارتودکسی و ارتوپراکسی تأکید داشته است با تنوع و تکثیر خواه بر اثر تحول درونی و خواه در پی تلیق با غیر، همواره مخالفت شده است» (ص ۱۳۲).

در این جمله، فعل بریدن با سبک رسمی نگارش کتاب سازگار نیست و به جای واژه‌های ارتودکسی و ارتوپراکسی، برابری «درست اندیشی» و «درست کرداری» یا «اعتقادات و احکام سنتی مسیحیت» و «اندیشه و کردار اصیل مسیحی» قابل جایگزینی است.

* «کاتدرال‌های عظیم برای بسیاری کسان بسیاری معنی‌ها داشتند. فرد متوسط اروپایی احتمال آنها را دروازه‌ای به یک دنیای دیگر می‌دید» (ص ۶۴).

The great cathedrals were many things to many people. To the average European, They must have seemed agate into another world (p.49).

ترجمه پیشنهادی: کلیساهای جامع (اسقف‌نشین) در نگاه بسیاری از مردمان، بسیار جالب توجه و امعان‌نظر بوده است، عموم اروپاییان این کلیساهارا ظاهراً دروازه‌های جهان دیگر می‌پنداشته‌اند. آنچه بیان شد نمونه‌هایی از اشکالات مترجم است، ولی این نقد نیز، به جز جنبه انتقادی، نشان‌دهنده تقدیر و علاقه نگارنده مقاله به خامه‌های نویسنده‌گان و مترجمان گرانقدر است. امید است که در کشور ما نیز اصحاب قلم در پدید آوردن آثار به صورت گروهی همت گمارند و در ارائه تألیف یا ترجمه، ویراستاران و متخصصان علم مربوط و مترجمان با همیاری و همدلی از یکدیگر مدد جویند و این‌گونه کاستی قبل از چاپ اثر، برطرف شود.

بی‌نوشت‌ها :

1- Long search.

این کتاب را بنگاه B.B.C به صورت فیلم نیز ارائه کرده است.

2- Never Judge a man till you have walked a mile in his moccasins.

3-Christianity, Brian wilson, Routledge, London, 1999.

عبارت فوق چند اشکال هویداست: اولاً واژه concept به معنای برداشت و تلقی است و معنای تعبیر و بیان از آن بر نمی‌آید ضمن آن که محتوای فصل چهارم دربارهٔ اختلافات بنیادین برداشت‌های فرقه‌های مسیحی از صدر مسیحیت تا قرون وسطی است. ثانیاً: واژه christendom به معنی عالم مسیحیت است و حداقل در این متن، مترادف با Christianity نیست.

عنوان انگلیسی فصل پنجم کتاب (Christianity and the challenge of modernity) دربارهٔ مسیحیت و چالش‌های مدرنیته (تجدد)، به «مسیحیت و تجدد» ترجمه شده که تسامح شایسته‌ای در ترجمه نیست.

گر چه در ترجمهٔ فارسی، ساختار نگارش و دستور زبان فارسی غالباً رعایت شده، در برخی از فقرات، ساختار زبان مقصد (Target language) فراموش شده است. خواننده در هر جا که با جملات زیر مواجه شود به آسانی در می‌یابد که متن، ترجمه است در صورتی که ترجمه موفق بوی ترجمه نمی‌دهد:

* «مردم عادی به موعظه‌گویی فی‌البداهه و دعاخوانی خود انگیزخته تشویق شدند و عشای ربانی اهمیت کمتری پیدا کرد.» (ص ۸۴).

* «شگفتا که در حال حاضر روسیه تنها کشور اروپایی است که مسیحیت در آن رشد سالمی دارد... با بازگشایی مدارس دینی پیشین، عدهٔ طلاب سربه فلک کشیده است. تعداد کلیساهای مسکو نیز از ۴۷ عدد در سال ۱۹۹۱ به ۳۷۰ عدد در ۱۹۹۷ رسیده است» (ص ۱۰۸). در این جمله شایسته است عبارت healthy growth (ص ۷۹ متن انگلیسی) به جای رشد سالم، رشد مداوم یا رشد شتابان ترجمه شود و تعبیر «۴۷ عدد کلیسا» به «۴۷ باب» لازم است.

* «از این رو خواننده چه تنها به اطلاعات توصیفی از ادیان علاقه‌مند باشد و چه همچنین طالب فهم رسالت معنوی آنها باشد، مجموعه حاضر را ارزشمند خواهد یافت» (ص ۱-۲). در این جمله، تنافر آوایی ناشی از کنار هم قرار گرفتن کلمات چه و همچنین به وجود آمده است و با حذف یکی از آن دو کلمه، یا آوردن کلمه «یا» به جای آن دو، مشکل رفع می‌شود.

* «مسلمانان اکنون نه علاقهٔ سیاسی و نه منابع لازم را برای تبلیغ در این منطقه نداشتند و حتی در ام القرای خود زیر فشار استعمار بودند» (ص ۱۲۶). علاوه بر مشکل نگارش فارسی که ترکیب نه... نه به تبع زبان انگلیسی به وجود آورده است، مقایسه با متن انگلیسی تسامح در ترجمه را آشکار می‌کند:

Islamic leaders had neither the political interest nor the resources to missionize sub-saharan Africa. Islam had a hard enough time maintaining its position within its heart lands because of the Western colonialism (p.92)

* «با این همه نوزایی کلیسای ارتودکس روسیه جنبه‌های ناراحت‌کننده‌ای نیز داشته است. منتقدان می‌گویند که کلیسا به سرعت دارد